

نامه از پرینکیو

انقلاب همچنان منزوی اکتبر، اکنون پانزدهمین سال خود را کامل می کند. این رقم ساده، در برابر کل جهان، گواه نیروی عظیم متعلق به یک دولت پرولتری است. هیچ یک از ما، حتی خوشبین ترین مان، چنین سرزندگی ماندگاری را پیش بینی نکرده بود. اما این حیرت انگیز نیست: چرا که خوش بینی نسبت به یک دولت پرولتری در انزوا، مستلزم بدبینی به انقلاب جهانی است.

رهبران و توده ها، انقلاب اکتبر را به مثابه ی نخستین مرحله ی انقلاب جهانی می نگرستند. در سال ۱۹۱۷، ایده ی ساختن سوسیالیسم در روسیه ی منزوی، از سوی هیچ کسی نه فرموله و مطرح شده بود، و نه مورد دفاع قرار گرفته بود. طی سال های بعد هم کل حزب، بدون استثناء، سازندگی اقتصادی را به عنوان فرایندی از ایجاد یک بنیان مادی برای دیکتاتوری پرولتاریا به شمار می آورد: هم به عنوان تضمین اتحاد اقتصادی (سمیوکا^۱ بیان شهر و روستا، و هم نهایتاً تدارک نقاط اتکا برای جامعه ی سوسیالیستی آتی که تنها می توانست بر مبنایی بین المللی بنا شود.

مسیر انقلاب جهانی بی اندازه طولانی تر و پریچ و خم تر از آن چه پانزده سال پیش امیدوارم بودیم و پیش بینی می کردیم، بوده است. در برابر

^۱ - Smyohka

دشواری های خارجی (که نقش تاریخی رفرمیزم، خود را به عنوان یکی از مهم ترین آن ها نشان داده است)، دشواری های داخلی با یک دیگر هم پیمان شدند: در این میان مهم تر از همه سیاست پیروان ناخلف رهبری انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ است که در اساس خود، نادرست و در پیامدهایش، مهلک است. بوروکراسی نخستین دولت کارگری- ناآگاهانه، اما قاطعانه- مانع تولد دومین دولت کارگری می شود. این گره ی کور بوروکراتیک یا باید باز شود و یا قطع، تا بلکه بتواند مسیر پیشرفت به سوی انقلاب جهانی را باز کند.

اگرچه تاریخ تغییر و تحولات در چارچوب خطوط پیش بینی های ما نبوده، ولی با این حال ما به دقت نیروهای محرکه ی بنیادی و قوانین آن ها را برآورد کردیم. همین امر به طور کامل در مورد مشکل انکشاف اقتصادی روسیه ی شوروی هم مصداق دارد. نیروهای مولد مدرن نمی توانند با عزم و اراده یا سحر و جادو در محدوده ی ملی حبس شوند. خودکفایی ملی، ایده آل هیتلر است، نه مارکس و نه لنین. سوسیالیسم و انزوای ملی ناسازگار با یک دیگرند. امروز، درست مانند پانزده سال پیش، برنامه ی یک جامعه ی سوسیالیستی در درون یک کشور واحد، تخیلی و ارتجاعی است.

موفقیت های اقتصادی اتحاد شوروی بسیار عظیم است. اما دقیقاً در همین پانزدهمین سالگرد، آنتاگونیزم ها و دشواری ها به وخامتی هشدارآمیز رسیده اند. توسعه ی ناموزون، عقب ماندگی، عدم تناسب ها، عدم تحقق طرح ها، پیش از هر چیز رهبری نادرست را بازتاب می دهند، اما نه فقط آن را. این ها به ما هشدار می دهند که ساختن یک جامعه ی موزون، تنها با یک رشته از آزمون های لاینقطع طی مسیر چندین دهه، و آن هم در سطح بین المللی، امکان پذیر است.

موانع تکنیکی و فرهنگی، شکاف میان شهر و روستا، مسائل واردات و صادرات، همگی مؤید این حقیقت هستند که انقلاب اکتبر نیاز تداوم خود در سطح جهانی است. انترناسیونالیزم نه یک رسم تشریفاتی، که موضوع زندگی یا مرگ است.

کمبودی در سخنرانی‌ها و مقالات به مناسبت سالگرد [انقلاب] خواهد بود. اکثر آن‌ها از سوی کسانی خواهد بود که در مقطع اکتبر ۱۹۱۷ دشمنان آشتی ناپذیر انقلاب پرولتری بودند. اما این آقایان را ما بلشویک-لنینیست‌ها «ضدانقلاب» خواهیم نامید. این نخستین بار نیست که تاریخ چنین شوخی‌هایی را در حق خود روا داشته، اما ما به این خاطر از تاریخ خشمگین نیستیم. چرا که همچون سابق، حتی اگر با سردرگمی و آهستگی باشد، به هر رو کار خود را انجام می‌دهد.

و ما هم کار خود را خواهیم کرد!

ل. تروتسکی

پرینکیپو ۱۳ اکتبر ۱۹۳۲

ترجمه: جهانگیر سخنور

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۹۳